

اقتصاد کلان

اقتصاد چگونه کار می کند

راجر فارمر

ترجمه محمد رضا فرهادی پور



پیش‌گفتار	۹
فصل اول	
فروپاشی صخره شمالی	۱۳
اقتصاد کلاسیک و کینزی	۱۵
اندازه دولت	۱۷
بازارهای کارا	۱۸
قرن بیستم خروشان ۲۹	۲۰
رکود بزرگ	۲۲
رکود تورمی	۲۳
چرا سیاست مالی رویکردی اشتباه است	۲۶
کاری که دولت باید بکند	۲۸
پارادایم جدید و سیاست جدید	۳۰
یادداشت‌های فصل اول	۳۱
فصل دوم	
اقتصاد کلاسیک	۳۵
قطعات اقتصادی چگونه با هم جور می‌شوند	۳۷
آیا بازارها خوب کار می‌کنند؟	۳۹
یک مارک، یک ین، یک دلار یا یک پوند	۴۳
آیا این همه چیزی است که جهان را به پیش می‌برد	۴۴
بن هلیکوپتر	۴۵
اصطکاک‌های اقتصادی	۴۶
یادداشت‌های فصل دوم	۴۸

نقش خوش‌شانسی	۹۶
گشتاورهای مینسکی	۹۷
در دفاع از بانک‌های مرکزی	۹۸
آینده بانکداری مرکزی	۹۹
یادداشت‌های فصل ششم	۱۰۱
فصل هفتم	
چرا بیکاری تداوم می‌یابد	۱۰۳
برگرداندن بیکاری به مدل کلاسیک	۱۰۴
چرا این ایده کار نمی‌کند: معمای شایمر	۱۰۵
آیا بیکاری مطلوب است؟	۱۰۶
شن در نفت	۱۰۷
چرا بازارهای جست‌وجو خوب کار نمی‌کنند	۱۰۹
چرا بیکاری بالا وجود دارد	۱۱۰
چرا دستمزد کاهش نمی‌یابد	۱۱۱
استفاده‌های کلاسیکی و کینزی از نظریه جست‌وجو	۱۱۲
یادداشت‌های فصل هفتم	۱۱۴
فصل هشتم	
چرا بازار سهام برای شما مهم است؟	۱۱۵
آیا بنیادها بازار را پیش می‌برند؟	۱۱۶
... یا اعتماد بازارها را به پیش می‌برد؟	۱۱۷
حق با کیست؟	۱۱۸
نوسانات در اعتماد عقلایی هستند	۱۱۹
اقتصاد رفتاری یا انتخاب عقلایی؟	۱۲۱
ثروت مهم است	۱۲۳
جایی که اقتصاددانان کینزی اشتباه کردند	۱۲۴
جایی که اقتصاددانان کلاسیک اشتباه کردند	۱۲۵
توقف یک هجوم	۱۲۶
یادداشت‌های فصل هشتم	۱۲۸
فصل نهم	
آیا رکود بزرگ دیگری در راه خواهد بود؟	۱۲۹
دو دوشنبه سیاه	۱۳۰
گرین‌اسپین جادوگر	۱۳۱
سقوط ۲۰۰۸	۱۳۲
مسکن و سهام: قله‌های دوقلو	۱۳۳
مقررات‌زدایی و قواعد حسابداری	۱۳۵
پایان گلاس-استیگال	۱۳۶
حسابداری ارزش منصفانه	۱۳۷

فصل سوم	
اثر کینز بر اقتصاد جهان	۴۹
بینش جدید مینارد کینز	۵۰
بیکاری در جریان رکود بزرگ	۵۰
خروج کینز از اقتصاد کلاسیک	۵۲
نظریه کینزی	۵۴
سیاست کینزی	۵۵
یادداشت‌های فصل سوم	۵۷
فصل چهارم	
کینزین‌ها کجا راه‌شان را گم کردند	۵۹
نظریه قیمت کینز	۶۰
بیل فیلیپس و ماشینش	۶۲
بیل فیلیپس و منحنی‌اش	۶۲
دو کینزین آمریکایی	۶۳
فرضیه نرخ طبیعی	۶۵
ناقوس‌ها برای منحنی بیل فیلیپس به صدا درآمدند	۶۶
نظریه نرخ طبیعی: واقعیت یا خیال؟	۶۷
علم یا اعتقاد؟	۶۹
یادداشت‌های فصل چهارم	۷۱
فصل پنجم	
انقلاب انتظارات عقلایی	۷۳
باب لوکاس و سیاست اقتصادی	۷۴
اثر فرانسوی	۷۵
لوکاس چگونه اقتصاد کلان را برای همیشه تغییر داد	۷۷
نظریه چرخه تجاری واقعی	۷۸
اقتصاد کینزین‌های جدید	۸۱
نظریه‌پردازان کمی در لباس کینزی	۸۳
یادداشت‌های فصل پنجم	۸۵
فصل ششم	
بانک‌های مرکزی زندگی شما را چگونه تحت تأثیر قرار می‌دهند	۸۷
چه کسی مالک فدرال رزرو است؟	۸۸
پول، جهان را به گردش در می‌آورد	۸۹
فدرال رزرو مدرن	۹۰
نبرد با تورم	۹۱
نبرد با بیکاری	۹۲
چرا تورم اهمیت دارد	۹۴
تعدیل بزرگ	۹۵

۱۳۷	آیا مقررات‌زدایی مقصر بود؟	۱۳۷
۱۳۸	عدم‌نقدشوندگی یا اعسار؟	۱۳۸
۱۳۹	بعداً چه اتفاقی خواهد افتاد؟	۱۳۹
۱۴۱	یادداشت‌های فصل نهم	۱۴۱
فصل دهم		
۱۴۳	آیا سیاست پولی و مالی کار خواهد کرد؟	۱۴۳
۱۴۴	سیاست پولی سنتی	۱۴۴
۱۴۵	تسهیل مقداری	۱۴۵
۱۴۶	برنامهٔ برنانکه	۱۴۶
۱۴۷	بانکداران مرکزی به چه می‌اندیشند	۱۴۷
۱۴۸	وقتی حساب‌ها می‌ترکند	۱۴۸
۱۵۰	اوباما و براون و سارکوزی	۱۵۰
۱۵۱	ضریب تکاثر جادویی کریستینا رومر... آیا این ضریب واقعاً آن قدرها بزرگ است؟	۱۵۱
۱۵۲	یادگیری از رکود بزرگ	۱۵۲
۱۵۳	نخستین مرحلهٔ بهبود	۱۵۳
۱۵۴	مرحلهٔ دوم بهبود	۱۵۴
۱۵۵	دو دلیل دولت‌ها برای کسری بودجه	۱۵۵
۱۵۶	آیا ما نیازمند دولتی بزرگ‌تر هستیم؟	۱۵۶
۱۵۷	آیا برنامهٔ محرک اعتماد را بازمی‌گرداند؟	۱۵۷
۱۵۷	به من یک اقتصاددان یک‌دست بدهید	۱۵۷
۱۵۹	یادداشت‌های فصل دهم	۱۵۹
فصل یازدهم		
۱۶۱	بحران مالی را چگونه حل کنیم	۱۶۱
۱۶۲	در ۲۰۰۸ چه اتفاقی افتاد	۱۶۲
۱۶۳	افزودن یک اهرم سیاستی جدید	۱۶۳
۱۶۵	شاخص‌ها و صندوق شاخص‌ها	۱۶۵
۱۶۶	برنامه‌ای برای ممانعت از حباب‌ها و سقوط‌ها	۱۶۶
۱۶۷	تشکیل یک صندوق	۱۶۷
۱۶۸	خم کردن اهرم	۱۶۸
۱۷۰	بانک‌ها را چگونه تعمیر کنیم	۱۷۰
۱۷۲	خلاصهٔ استدلال من	۱۷۲
۱۷۳	میان کینز و هایک	۱۷۳
۱۷۵	یادداشت‌های فصل یازدهم	۱۷۵
واژه‌نامه		
۱۷۷	واژه‌نامه	۱۷۷
منابع		
۱۸۳	منابع	۱۸۳
۱۸۷	یادداشت‌های مؤلف	۱۸۷

من از امتیاز ارائه ایده‌های این کتاب در سمینارها و کارگاه‌هایی در سراسر جهان برخوردار بوده‌ام و بازخوردهایی از سوی بسیاری از همکارانم دریافت کرده‌ام که نکات گرانبهایی را مطرح کردند. ریکاردو دی‌سسو از فدرال رزرو سنت‌لوئیس،^۱ مارکو گوئرزلی از دانشگاه ژیزا^۲ و کولین راجرز از دانشگاه آدلاید^۳ تفاسیری جزئی و دقیق از ایده‌هایم ارائه کردند. از همه آنها برای کمک جهت تصحیح اشتباهاتم ممنونم، اگرچه مطمئنم هنوز اشتباهاتی درکاز خواهد بود.

از بنیاد ملی علوم سپاسگزارم که سالهاست از تحقیقات من با اعطای وجوه مالی پشتیبانی کرده است. البته همین حمایت است که به من فراغت لازم برای تفکر و توسعه ایده‌های جدید را داده است. اخیراً جایزه‌ای از این بنیاد دریافت کردم که به من برای نگارش این کتاب کمک کرد. ویراستار کتاب، تری ووگن^۴، تشویق و حمایت کرد و در خصوص چگونگی نوشتن برای مخاطب عادی به من آموزش داد. از تری و کل تیم انتشارات دانشگاه آکسفورد برای اعتمادشان به من و حمایت‌شان از این پروژه سپاسگزارم. آخرین، ولی نه کم‌ارج‌ترین نکته این‌که شدیداً مدیون پسرعمو لیلند^۵ و همسرم رکسانا^۶ برای عشق و تشویق خالصانه‌شان هستم. رکسانا چندین بار دست‌نوشته‌هایم را خواند و پیشنهادهایی برای بهبود ارائه و به من کمک کرد تا ساده و روان بنویسم و از مبهم‌نویسی اجتناب کنم. هر چقدر من موفق بوده‌ام، او سزاوار قدردانی است.

فصل اول

اگر اقتصاددانان می‌توانستند اندیشه خود را همچون افرادی فروتن و شایسته مانند دندان‌پزشکان مدیریت کنند، این امر برای آنان باشکوه می‌بود.
جان مینارد کینز (۱۹۳۱)، ص ۳۷۳، از ویرایش ۱۹۶۳ نورتون)

فروپاشی صخره شمالی*

سپتامبر ۲۰۰۷ در کنفرانسی در بانک مرکزی انگلیس^۱ شرکت کردم. موضوع کنفرانس «تعدیل بزرگ»^۲ بود. تعدیل بزرگ نامی است که توسط اقتصاددانان به این واقعت داده شده که نظام مالی جهانی بعد از جنگ جهانی دوم، در دوره بعد از ۱۹۸۰ نسبت به قبل از آن ثبات بیشتری نشان داده است. از ۱۹۵۱ تا ۱۹۷۹، تورم و نرخ بهره و بیکاری، بالا و متغیر بودند. بعد از ۱۹۸۰، همگی کاهش یافتند و ماه به ماه نوسانات کمتری را نشان دادند. جهان تغییر کرده بود. اما چرا؟

اقتصاددانان با حالتی حاکی از خودستایی از سراسر جهان در لندن با هم روبه‌رو شدند. وظیفه ما این بود که درباره این موضوع تصمیم‌گیری کنیم که افزایش قابل توجه توفیقات اقتصادی در سراسر جهان از تکنولوژی جدید

* صخره شمالی، ترجمه نام شرکت پولی - اعتباری نورتون راک (northern rock) است. اگرچه اسامی خاص به‌طور معمول ترجمه نمی‌شوند، اما هم‌نشینی واژگان «صخره» و «فروپاشی» موسیقی جاندارای ایجاد می‌کند که ورشکستگی نورتون راک در فوریه ۲۰۰۸ و آغاز بحران مالی را به خوبی بازتاب می‌دهد. ناشر

1. Riccardo DiCecio from the St. Louis Fed

2. Marco Guerrazzi of the University of Pisa

3. Colin Rogers of the University of Adelaide

4. Terry Vaughn

5. Leland

6. Roxanne

نشأت گرفته یا درک بهتر از سیاست پولی توسط اقتصاددانان و بانکداران مرکزی یا خوش‌شانسی محض. بسیاری از مقالاتی که در این کنفرانس ارائه شد استدلال می‌کردند که بانکداران مرکزی کار خود را از طریق سیاستی جدید، هدف‌گذاری تورم، بهتر انجام داده‌اند؛ و همین‌طور این که نظریه پولی کینزین‌های جدید که توسط اقتصاددانان دانشگاهی توسعه یافت، منجر به بهبود ثبات مالی جهانی شده بود. اما کجای کار ما اقتصاددانان اشتباه بود؟

عصر ۱۳ سپتامبر، روز پایانی کنفرانس، برای صرف شام در سالن بانک دعوت شدیم. میزبان شام، مروین کینگ^۳ رئیس بانک مرکزی انگلیس بود که بدون عذر موجهی تأخیر داشت. به جای کینگ، چارلی بین^۴ که بعداً مدیر تحقیقات بانک شد، صمیمانه خوش آمدگفت. سر میز من، پنج استاد دانشگاه به‌علاوه راشل لوماکس^۵، یکی از دو معاون رئیس بانک، نشسته بودند. شام مفصلی بود. کارکنان بانک جلیقه قرمز و کت صورتی پوشیده بودند و تالار بانک از شاهکارهای معماری و یکی از چندین تالار به‌جا مانده از عمارت اصلی بود که جان سوان^۶ معمار آن را در سال ۱۸۱۴ ساخته بود و بخش اعظم آن در سال ۱۹۲۵ بازسازی شده بود. بحث داغی با راشل لوماکس داشتیم، که بارها با پیام‌هایی از طرف مردان کت‌صورتی که او را موقتاً برای انجام کاری فوری صدا می‌کردند قطع می‌شد. اصلاً خبری از مروین کینگ نشد. روز بعد بود که فهمیدم دیشب در مباحثاتی پیرامون اولین بسته نجات نظام بانکی [برای غلبه بر بحرانی] حضور داشته‌ام، که در حال تبدیل شدن به بزرگترین بحران مالی از زمان رکود بزرگ^۷ بود.

در سال ۲۰۰۷، نورتون راک^۸ [صخره شمالی] یکی از پنج وام‌دهنده بزرگ رهنی بریتانیا بود. نورتون راک کار خود را به عنوان یک انجمن ساختمانی شروع کرده بود، یک موسسه تعاونی صرفاً بریتانیایی که همه سودش را مجدداً در راستای [منافع] اعضایش سرمایه‌گذاری می‌کرد. بانک‌ها و انجمن‌های ساختمانی در بریتانیا به‌طور سنتی، پول را از پس‌اندازکنندگان محلی قرض می‌گیرند. آنها این پول را گرفته و آن را در قالب وام‌های رهنی به وام‌گیرندگان

محلی وام می‌دادند که وثیقه آن همان مسکن بود. مدیر بانک مشتریان را می‌شناخت و رابطه‌ای شخصی هم با مشتریانش داشت. پس‌اندازکنندگان مالک انجمن‌های ساختمانی بودند و هر سودی که انجمن‌ها از رهگذر تفاوت نرخ‌های بهره وام‌دهی و استقراض به‌دست می‌آوردند به مثابه سود سهام نصیب پس‌اندازکنندگان می‌شد.

در دهه ۱۹۹۰، دولت به نورتون راک اجازه داد به موسسه‌ای انتفاعی تبدیل شود و سهام خود را در بازار سهام به فروش برساند. در سال‌های اول هزاره جدید، نورتون راک و سایر بانک‌های تجاری شروع به پرداخت وام‌های پرخطرتر و استقراض کوتاه‌مدت از یکدیگر کردند تا سرمایه لازم برای وام‌های رهنی خود را فراهم کنند. نورتون راک شروع کرد به دادن وام‌های رهنی معادل ۱۲۵ درصد قیمت مسکن. از آن‌جا که نورتون راک مقدار نسبتاً کمی از سپرده‌های پس‌اندازکنندگان را در اختیار داشت، در عوض بر توانایی‌اش برای استقراض پول ارزان از بازار بین بانکی لندن^۹ برای تأمین مالی وام‌هایش تکیه کرد.

نرخ‌های وام‌های بانکی بر پایه آن از یکدیگر استقراض می‌کنند و به هم وام می‌دهند، لایبور - نرخ پیشنهادی بین بانکی لندن^{۱۰} - نام دارد. در اوت ۲۰۰۷، افزایش لایبور با شیب زیادی کلید خورد و الگوی کسب‌وکار نورتون راک به‌خطر افتاد. نورتون مجبور شد از بانک مرکزی وجوه اضطراری درخواست کند و در فوریه ۲۰۰۸، به اولین موسسه از انبوه موسسات مالی جهانی تبدیل شد که باید به‌طور کامل یا بخشی از آن - تحت مالکیت مالیات‌دهندگان درمی‌آمد. اندکی بعد از ورشکستگی نورتون راک، نظام مالی جهانی دستخوش سقوطی شد که بعد از دهه ۱۹۳۰ دیده نشده بود. این کتاب درباره این است که ما چگونه به این نقطه [بحرانی] رسیدیم و در آینده برای ممانعت از وقوع دوباره چنین بحرانی چه کاری می‌توانیم انجام دهیم.

اقتصاد کلاسیک و کینزی

اختلاف نظری جدی میان دو گروه از اقتصاددانان درباره این موضوع وجود